

## Biz hem başararis

18 yıl mundan ozal türkmenleriň adalatı göreşlerine yolbaşçılık eden şyir yürekli ogullar *Şyirli Tumaç, Hekim Magtım, Wahidi we Söyün jürjäni* halkımızyň soňkı yüz yıllık tarihında deňi-tayı görülmedik hereketi başladılar. Bu ärler milletimiziň erkinligi ugrunda her hil mikirli planlar düzüp gelyän merkezi häkimiyetlere örän jaydar gaytawul bermegi başardılar. Halk bir agyzdan bu gerçek yigitleri goldadı. Olaryň öz edermen ogullarını goldayanları olaryň köyen haklarından arka çykıp durandıklarından aňsa bolyar. Şol başlangıç ädimde halk, öz şuwralarını, orak bayramını, şuwralar birleşiklerini, balıqçılar guramasını... jany-teni bilen goradılar.

Halkımızyň bu adalatlı göreşlerini kesä sowmak üçin häkimiyetden başga dürli siyasy guramalar, hem-de olaryň yerli yörtewüleri kınçılıklar barını döredip gelyärler. Bü günki dünýäde adalath göreşleriň yol alyan bir wagtda, ähli diktatura rejimleriň yumrulup duran bir wagtda, topragmızıň gayra yanında milli we erkin bir döwlet dörap, yer şarında yaşayan ähli türkmenlere büysanç bolup duran yagdayında, biziň milli borjumyz milletimiziň adalatlı göreşlerini dowam etdirmekden ugur alyar. Biziň esasy wezipämiz halkımızy horlap gelyän siyasetlari, pars şaunistlariň milli barlıgımızy gödeklik bilen depeläp gelyän siyasetlari dünyä möçberinde jar edip durmakdan ugur alyar, öz milli erkinligimizi gazanmak üçin batırgay göreşip, şol ärleriň yakıp giden erkinlik çırasını yüregimizde yaşadıp gelmeli. Biz munı başararis.

### Yazarlar toparı

#### در این شماره:

۱۰ ص	لاتین حاطیمیز	۲ ص	اقدامی بزرگ اما...
۱۱ ص	تقویم تاریخ	۳ ص	مسئله ملی
۱۲ ص	با خوانندگان	۸ ص	جنبش اوغورها

## یادی از بهار خونین ملت ترکمن

در پنجم فروردین ۱۳۵۸ باشلیک اولین گلرله نیروهای مسلح کمیته انقلاب اسلامی در شهر گنبد قابوس، جوان ترکمنی بنام اراز محمد دردی پور بخون خورد در می غلظد و اندکی بعد و قبل از رسیدن به بیمارستان شهید میشود. نام این جوان دانش آموز اهل بندر ترکمن که جهت امرار معاش خانواده خود به سیگار فروشی و کارگری میپرداخت، در تاریخ مبارزات حق طلبانه ملت ترکمن برای عدالت و دموکراسی و در آستانه بقدرت رسیدن رژیم جاهل خمینی، بعنوان نخستین شهید خلق ترکمن در این برهه از تاریخ مبارزات خویش بود.

قتل جوان دانش آموز ترکمن، در واقع سر آغاز یک تهاجم برنامه ریزی شده از جانب نیروهای ارتجاع رژیم سرکوبگر خمینی بود. آنان که هرگز با اصلاحات دموکراتیک و عادلانه، استقرار حاکمیت توده ها و اقلیتهای ملی موافق نبودند، تنها راه بقا و حیات خویش را همانند رژیم دیکتاتوری پهلوی، در قتل و سرکوب جنبش های دموکراتیک می یافتند. نیروهای مسلح کمیته و ارباشان و باند های سیاه متعلق به فئودالهای فراری متحداً بهاری خونین را بر ملت ترکمن تحمیل کردند تا حاکمیت از دست رفته و شوم خود را ابقا بنمایند.

۶ فروردین ماه وگردهمایی و میتینگ دهها هزار نفری کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن، بر علیه "فراندرم ج.ا" از نوع "آری یا نه؟"، فرصت خوبی برای سرکوبگران بود. در این روز شوم و درست در لحظات آغازین برگزاری میتینگ آرام کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن در محل "باغ ملی گنبد"، مرتجعین مسلحانه یورش می آوردند، چندین نفر از شرکت کنندگان و عابرین کرچه ها در همان دقایق اول بخاک و خون می غلظند و دهها نفر نیز به اسارت در آمده و به پادگان گنبد و نوده برده میشوند.

بدنیال این کشتار ناجوانمردانه، که خشم و انزجار میلیونی ملت ترکمن را همراه داشت، نخستین جنگ تحمیلی گنبد شعله ور می گردد. خلق ترکمن، توده های زحمتکش و دهقانان بی زمین که از برکت فعالیت های دموکراتیک و عادلانه خود، زمین غصبی خود را باز پس گرفته بودند و در فاصله کوتاهی، حاکمیت مردمی خود را تجربه نموده بودند، اینبار مصمم و پولادین با دست خالی بر ارتجاع و باند های سرکوبگر رژیم شوریدند و بعد از ۹ روز پایداری و مقاومت تاریخی و با نثار دهها شهید پر افتخار، ارتجاع را وادار به عقب نشینی نمودند. شهیدانی چون شفیقی ها، خاتجانی ها، جلیل عرازی، غفور عمادی ها و بانوانی چون صفرگل خاللزاده و بیرام بی بی ملتی و... دهها تن دیگر از رزمندگان شهید خلق ترکمن که چون لاله های سرخ در کشتزاران ترکمن صحرا رویدند و تا ابد در دل خلق ما جاودانه خواهند بود.

یادشان گرامی و رزمشان پایدار باد!

**پیش بسوی برگزاری کنفرانس سراسری مبارزین ترکمن!**

## اقدامی بزرگ، اما...

و کاری با حوصله و درازمدت را از شماها میطلبید. اما متأسفانه با انتشار اولین شماره نشریه شما، امید من تا حدود زیادی از بین رفت و نگرانی قبلی ام در مورد کار بزرگ و سترگ شما بوقوع پیوست.

شما دوستان در اولین شماره نشریه تان ابتدایی ترین اصول دموکراسی را زیر پا گذاشته و تناقضی بزرگ بین حرف و عمل در مورد مضمون اطلاعیه تان با مضامین نشریه "گنگش" را به عینه بنمایش گذاشته اید. کاش تمامی خطاها و اشتباهات شما به موارد فوق خلاصه میشد. اشتباهات شما حتی در جزئیات مقالات این نشریه و حتی به نحوه صفحه بندی آن نیز کشیده شده، برخورد بسیار نازل شما به مسائل و کم اطلاعی از تاریخ سیاسی ایران را بطور بارزی نشان داده اید. من در ذیل توضیحی مختصر در مورد مطلب بالا داده و بحث مفصل در مورد آنها را در صورت امکان دسترسی به ملاقاتهای حضوری با شماها و اگذار می نمایم. امیدوارم که دوستان رنجشی از من بخاطر صراحت در گفتار و وسعت انتقادات بدل نگیرند، زیرا معتقدم که هر خطایی را در نطفه باید زدود و در کاری به این بزرگی و با اهمیت با برخوردی جدی به مسئله، از تعارفات رایج در بین سیاست بازان برحذر بود.

۱. دوستان گرامی! شما با کدام مشروعیت و حقوقی، نشریه خود را ارگان دمکراتیک ترکمنهای ایران-خارج از کشور نامیده اید؟ آیا اکثریت دوستان ترکمن ما در خارج از کشور این حقوق را به شما تفویض کرده اند؟ اگر جواب بلی است، در کدام کنفرانس و یا نشست وسیع باصلاحیتی در خارج از کشور این تفویض مسئولیت بشما بوده است؟ بنظر شما دوستان عزیز، آیا در گام اول خود را بجای جمعی نشانندن و از طرف تمامی ترکمنهای خارج از کشور، بدون جلب موافقت و رضایت آنها و بالاتر از آن بدون همراهی اکثریت آنها با شما، معنایی جز عدول از دموکراسی ندارد؟ شما از یکسو در اطلاعیه اعلام موجودیتان، خود را جمعی از مبارزین ترکمن مقیم سوئد می نامید و از سوی دیگر نشریه منتشر شده از طرف این جمعی از... را "ارگان دمکراتیک ترکمنهای ایران... مینامید!!؟ دوستان این تناقض بزرگ و این اقدام قیم مابانه بر دیگران را چگونه توضیح میدهند؟

۲. دوستان گرامی! بیایید صادقانه به مسئله برخورد بکنیم. شما در سرمقاله اولین شماره از نشریه تان نوشته اید که: "هدف ما در مرحله نخست آماده ساختن فعالین سیاسی ملت ترکمن به برپایی و تدارک یک کنفرانس سراسری با تشکیل گروه وسیعی از ترکمنهای خارج از کشور است". بنابراین، رفتار ما نیز در

دوستان هیئت تحریریه نشریه "گنگش"!

اطلاعیه اعلام موجودیت شما در تاریخ ۲۰ آگوست ۱۹۹۶ با امضای جمعی از مبارزین ترکمن مقیم سوئد را چند ماه قبل دریافت کردم. روح این اطلاعیه سرشار از احساس مسئولیت شما در تداوم مبارزات ملت ترکمن و عزم راسخ تان در ادامه کار پیشکوتان این جنبش بود. در این اطلاعیه دوستان بدرستی برپایی کنفرانس سراسری با شرکت تمامی ترکمنهای مبارز در خارج را هدف اساسی خویش قرار داده و در همین رابطه انتشار نشریه ای بنام "گنگش" (مشورت) را برای دستیابی باین هدف مهم و ضروری تلقی کرده اند. این نشریه بنا بر این اطلاعیه "ارگانی دمکراتیک در راه برپایی کنفرانس سراسری مبارزین ترکمن" توصیف و وظیفه آن نیز در انعکاس نظرات تمامی مبارزان ترکمن در شکل و مضمون آن (منظور کنفرانس سراسری) و جهت تبادل نظریات آنها با یکدیگر در این رابطه خلاصه شده است.

انتشار این اطلاعیه از طرف جمعی از مبارزین ترکمن، از یکسو باعث شغف و غرور و از سوی دیگر نگرانی مرا فراهم آورد. شغف و غرور از مشاهده رادمردانی از نسل جدید روشنفکران ترکمن که جهت احقاق حقوق حقه ملت خویش پا به میدان مبارزه گذاشته اند. این شغف و غرور بخصوص برای افرادی چون ما از نسل میانسال مبارزان ترکمن که بار سخت ترین مبارزات را بیش از دو دهه بر دوش کشیده و همیشه انتظار نه پیروزی زودرس و سهل، بلکه آرزوی مشاهده نسلی جدید از تداوم دهندگان مبارزات خود را داشته تا دوشادوش آنها با نیروی مضاعف روز به آغوش کشیدن پیروزی ملت تحت ستم مان را هرچه بیشتر نزدیکتر سازیم، معنای ویژه ای می یابد. نگرانی و تشویش از این لحاظ بود که من با توجه به تجربیات خودم کاملاً از مشکلات عدیده انتشار نشریه، آنهم نشریه ای در خدمت برگزاری کنفرانسی بزرگ و تاریخی با تأمین شرکت حداکثر مبارزین ترکمن در خارج از کشور و با عملکرد مسائل گذشته و با در نظر داشت روحیه انفعالی فراگیر با توجه به درازا کشیدن دوران مهاجرت و ... در میان آنها آگاهی دارم. مهمتر از همه دور نگهداشتن جمع شما از گرایشات مختلف رایج در بین توده مهاجرین ترکمن و جمع بندی و ارائه نظریات سیاسی و تئوریک آنها با رعایت بیطرفی کامل در نشریه تان و هدایت این نظریات تا آستانه تشکیل کنفرانس، شکست یا پیروزی شما در این راه سترگ رقم خواهد زد. در خارج از کار پیشبرد نشریه، تأمین ملاقاتهای حضوری با صاحبان نظریات گوناگون و برگزاری جلسات و یا کنفرانسهای محدود با شرکت مستقیم خود آنها، مجموعاً نه تنها کاری مشکل و شاق، بلکه متانت بسیار بالا

## تای ترکمن

## مسئله ملی در ایران

نظام" بطور اتوماتیک یعنی جرم شناختن هر جنبش سیاسی و رهایی بخش که هر نوع مطالبات ملی و خودمختاری باشد در سیستم قضایی رژیم اسلامی برابر است با مجازات تجزیه طلبی یعنی اعدام.

امروزه نفی مسئله ملی ملل آذری، کرد، بلوچ، ترکمن، و عرب نه تنها همچنان ادامه دارد بلکه حتی شکل و محتوای بیرحمانه تری بخود گرفته و برای خلقهای تحت ستم تأمین اراده آزادانه خویش بر سرنوشت خود و تشکیل حکومت ملی آنها در چهارچوب ایرانی دمکراتیک اساسی ترین خواست آنان است، نادیده میگیرند.

متأسفانه کم نیستند نیروهایی که با همه ضدیتی که با رژیم ج. ا. دارند آشکارا به بهانه "دفاع از تمامیت ارضی ایران" از سرکوب جنبش ملل ایران توسط رژیم خشنودند، زیرا با توجه به اوضاع داخلی و منطقه ای، بخصوص تغییر و تحولات در کشورهای منطقه و هم مرز و در میان مللی که خویشاوندان، هم خونان و همزبانی در بین ملیتهای ایران دارند و واقعیت مسئله ملی در ایران، رژیم حاکم "پان اسلامیسیم" و طرفداران "تمامیت ارضی ایران" را بیمناک و هراسان ساخته است که تداوم و حتی تشویق و تشدید سیاستهای اختناق و سرکوب بعید نمی باشد. زیرا دولتهای مرکزی ایران

بقیه در ص ۴

## \*مسئله ملی و رژیم اسلامی

رژیم اسلامی از همان فردای پیروزی انقلاب، در اوج "بهار آزادی" در پاسخ به طرح مطالبات ملی از طرف ملل ایران، دستور تهاجم نظامی، تحمیل جنگ نابرابر را اعمال کرد. حکومت اسلامی همانند رژیم مستبد پهلوی اما با ارائه ایدئولوژی خود، با دستاویز قرار دادن "پان اسلامیسیم" سلطه جویی مذهبی و شوونیسم فرهنگ اسلامی، به سرکوب جنبش و حقوق دمکراتیک و عادلانه ملل تحت ستم ایران پرداخت. جمهوری اسلامی طی ۱۸ سال حکومت ننگین خود، با طرح شعار "امت واحد اسلامی"، "مصالح کل نظام"، "نه شرقی، نه غربی" و "ولایت فقیه"، نه فقط در سرکوب و کشتار خلقهای تحت ستم بلکه در دشمنی با مردم و پایمال کردن همه حقوق شهروندان ایرانی و آزادیهای آنها گوی سبقت را از همه رژیمهای ارتجاعی و استبدادی ربوده است. در جمهوری اسلامی ارگانها، انجمنها و پیروان خط امام از بکار بردن مقوله ای بنام "ملت"، "خلق" و "خودمختاری" چون "جن از بسم الله" میترسند و با کاربرد این واژه ها شدیداً مخالف بوده و آنها را کمونیستی و غیر اسلامی می نامند. صحبت از "مسئله ملی"، ماجراجویی عوامل بیگانه و تجزیه طلبی محسوب میشود. به بهانه دفاع از "مصالح کل

مسئله ملی و حق تعیین سرنوشت جزء اساسی و لاینفک حقوق و آزادیهای مردم است و بهمین لحاظ پذیرش و دفاع از آن ملاک روشنی برای ارزیابی و پیگیری نیروها و جریانات مختلف سیاسی در زمینه دمکراسی است.

سازمانها و عناصری که مخصوصاً امروزه شرح کشف در زمینه تجدید و تحسین دمکراسی و دفاعیه های آتشین در باره حقوق و آزادیهای دمکراتیک صادر میکنند، با حق تعیین سرنوشت ملل ساکن ایران مخالفند، در حقیقت بی اعتمادی خود بهمان حقوق دمکراتیک را برملا میسازند. جریاناتی که خود را ظاهراً طرفدار جدی تأمین حقوق بشر معرفی میکنند ولی حق تعیین سرنوشت را نفی میکنند، دچار یک تناقض و دورویی آشکارند چرا که طبق "اعلامیه جهانی حقوق بشر" و پیمان نامه های منظم بان حق ملل در تعیین سرنوشت خودشان صراحتاً برسمیت شناخته شده است.

این قبیل جریانات هنگامیکه سخن بر سر تأمین همین حق در مورد ملیتهای کشورهای دیگر مثلاً یوگسلاوی سابق، چکسلواکی، کشورهای بالتیک و ... است، کاملاً موافق هستند و اما در مورد پذیرش و دفاع از حق تعیین سرنوشت ملل ساکن در ایران به شیوه استبدادی باین قضیه برخورد میکنند.

## دنباله مسئله ملی...

از آنجمله جمهوری اسلامی در راستای منافع طبقات حاکم، نه قصد حل یا تخفیف مسئله ملی را داشته و نه گامی در این جهت برداشته اند، بلکه برعکس با ترویج سیاست برتری جویی های ملی و نژادی، با تشدید اختلاف و تضاد بین ملت فارس و دیگر ملل ایران و با تحمیل محرومیت های فاحش و تبعیضات علنی و آشکار علیه ملل آذری، کرد، ترکمن، بلوچ و عرب دامنه و عمق بیشتری به ستم ملی داده اند.

## \* مسئله ملی و سلطنت طلبان

در مورد سلطنت طلبان و چگونگی موضعگیری آنها با مسئله ملی نیاز به توضیح چندانی نیست. تجربه عملکرد پنجاه ساله رژیم پهلوی آشکارتر از هر حرف و سخنی، موضع واقعی آنها در خصومت با همه ملل ایران بویژه ملت های تحت ستم را نشان داده است.

اینها هنوز هم "سرزمین ایران" را "میراث" رضاخان و خاندان پهلوی میدانند، هنوز هم عقده های کشورگشایی و "پان ایرانیستی" سخت گریبانگیر آنهاست.

در منشور ۱۴ ماده ای اعلام شده از سوی رضا پهلوی و هم اعلامیه مشترک رضا پهلوی و دکتر منوچهر گنجی و مواضع آنها در رابطه با "خودمختاری محلی" و "انجمن های محلی" بیان شده است، بعنوان یکی از مسائل مهم ایران و حقوق اساسی مردم کرد صحبت شده که همین امر

نشانه ایست بر اینکه سلطنت طلبان مسئله ملیتها را مسئله ای جدی و اصلی احساس میکنند و به اصطلاح برای خالی نبودن عریض صحبت از "حقوق اقلیتها" میکنند که در قیاس با خودمختاری مورد خواست ملل ایران یاوه گویی بیش نیست.

مردم کردستان، ترکمنستان، آذربایجان، بلوچستان و دیگر مناطق ایران از نظام سلطنتی خاطره وحشتناکی دارند. نام سلطنت، استبداد و دیکتاتوری و تمرکز قدرت سیاسی و نظامی را در اذهان زنده میکند. در صورتیکه خلق های تحت ستم ایران طرفدار توسعه دموکراسی و تقسیم قدرت بین مرکز و دیگر مناطق کشور و واگذاری امور مردم بدست مردم است.

در بیانیه ها و اظهار نظرهای ناسیونالیست های تشنه قدرت و حکومت یعنی سلطنت طلبان به روشنی مصداق "دفاع از تمامیت ارضی ایران" بخش عمده و اساسی و دائم الحضور از موضعگیری این جریان است. تلاش آنان احیای سیاست شناخته شده فشار، ارباب و سرکوب سیستماتیک مردم تحت ستم است. سلطنت طلبان با همه ضدیتی که رژیم ج.ا دارند، آشکارا این رژیم را به سرکوب شدیدتر جنبش های رهایی بخش ملل تحت ستم ایران تشویق میکنند.

## مسئله ملی و جمهوری خواهان

سازمان مجاهدین، شورای ملی مقاومت و طرفداران جمهوری دموکراتیک اسلامی در سال ۱۳۶۲ با

شرکت نمایندگان حزب دمکرات کردستان ایران، طرح خودمختاری کردستان را در برنامه ۱۲ ماده ای خود تدوین و مسئله خودمختاری را در واقع فقط "حق ملت کرد"، نه "حقوق ملیتها"، بعنوان یکی از اجزای برنامه خود اعلام کرد.

سازمان مجاهدین و شورای ملی مقاومت صراحتاً عدم اعتقاد خود به مسئله ملی و حق تعیین سرنوشت ملل ایران بدست خویش، بنمایش گذاشتند. زیرا برنامه ۱۲ ماده ای طرح خودمختاری کردستان تفاوت فاحشی با خواسته های ملی-دمکراتیک خلق کرد و دیگر ملت های ایران دارد. در این برنامه بیشتر صحبت از رفع "ستم مضاعف" از ملت ستمدیده و "تمامیت ارضی ایران" و "یکپارچگی" و "وحدت ملی کشور" شده تا حق تعیین سرنوشت ملت ها بدست خویش.

در واقع طرح خودمختاری کردستان وسیله مناسبی شد جهت تبلیغات سیاسی مجاهدین و شورای ملی مقاومت که خود را طرفدار و حامی "حقوق ملیتها" جا زده و در شرایط مناسب از آن بمتابعه اهرمی سیاسی بکار گیرد. طرح خودمختاری شامل کلیه حقوق خلق های تحت ستم ایران بویژه ملت آذربایجان و اعتقاد مجاهدین و شورای ملی مقاومت به حقوق ملی خلقها و پابندی آنها به طرح خودمختاری کردستان بس سوال برانگیز می باشد.

میباشد. در الفبای جدید دولتی ترکمنستان، بهیچوجه به این مسئله توجه نشده است و اکنون این دولت با هزینه سفارش دستگاههای تایپ و مغز الکترونیکی و کامپیوتری جدید و... را به دوش ملت بگذارد. زیرا الفبای جدید این دولت بقول خود آنها کاملاً جدید میباشد و در دنیا بی همتا!! و بسیاری از اشکال این الفبا در وسایل فنی چاپ و تایپ موجود در دنیا وجود ندارد.

متأسفانه در الفبای جدید دولت ترکمنستان، به هیچیک از سه مسئله اساسی فوق توجهی نشده است. البته تحقیق مبسوط و جامع در مورد نحوه تدوین این الفبا و اشکالات آن بعهده دوستان متخصص ما در ادبیات میباشد و من در اینجا تنها به نحوه تدوین و پذیرش آن از طرف دولت ترکمنستان اشاره مختصری میکنم:

اولاً: این الفبا با مشارکت مسقیم وزارت فرهنگ و آموزش عالی کشور ترکیه و در خود این کشور، تدوین و در آن سعی وافری در هر چه بیشتر نزدیکتر ساختن این الفبا با الفبای رایج در این کشور شده است!! و حتی بعضی از به اصطلاح مولفان ترکمن آن از دست پخت "خود" اطلاعاتی در حد مردم عادی داشته و خود نیز بعداً این الفبا را از طریق روزنامه ها و یا نسخ کتبی چاپ شده آن فرا گرفته اند!!

ثانیاً: مسئله زبان و الفبا نه مسئله ای دولتی، بلکه مسئله ایست ملی و مشخصاً مربوط به تمامی آحاد ملت. از حقوق طبیعی و غیر قابل انکار هر ملتی است که الفبا مورد نیاز خود را مطابق با ضوابط نوشتاری و گفتاری خود، انتخاب نماید. متأسفانه این حقوق در جمهوری ترکمنستان از ملت سلب شده است!! بدین ترتیب که در تدوین این الفبا نه اکثریت متخصصین زبان و ادبیات ترکمنی در این جمهوری مشارکتی نداشتند و نه جهت تصویب آن به آرای عمومی ملت ترکمن مراجعه شده است. این الفبا نیز همانند دوران قانونگذاری شوروی سابق، از طرف دبیر اول های همه کاره بصورت دیکته وار جهت آموزش عمومی و بعنوان تنها آلتزناتیو مورد پذیرش شخص اول مملکت بجای الفبای سابق تجویز شده است.

دوستان گرامی! شما چطور میتوانید الفبایی را که بدون در نظر گرفتن مسائل فنی، اجتماعی و اقتصادی و در بیگانه با زبان و لهجه ملت ترکمن در کشور بیگانه تدوین و بدون در نظر گرفتن حداقل موازین دموکراسی با تصویب تنها یک فرد بصورت تنها خط نگارش زبان ترکمنی جا زده شده است، به این راحتی قبول و دست به تبلیغ آن بزنید؟ آیا دوستان بجای پذیرش و بالاتر از آن بجای تبلیغ هر آنچه که در این رابطه وجود دارد، نیروی خود را صرف تدوین الفبای جدید با مشارکت تمامی

بقیه درص ۶

نشریه ای که در خدمت این مهم است نباید همچون گروه سیاسی خاصی با یک خط مشی سیاسی و یا با یک ایدئولوژی معین باشد. در همین رابطه طرح شعارها یکی از وظایف اصلی کنفرانس است که از طرف اکثریت شرکت کنندگان در آن بتصویب خواهد رسید. اما دوستان این وظیفه را از هم اکنون از کنفرانس سلب و خود به طرح شعارهایی در رابطه با حقوق ملی ملتها و خواست اصلی ملت ترکمن و شعاری در رابطه با ساختار حکومت آینده ایران پرداخته اند. تنها شعار مقبول در شرایط نشریه شما، بنظر من فقط و فقط همان شعار "پیش بسوی تشکیل کنفرانس سراسری مبارزین ترکمن" میباشد که در صفحه دوم نشریه تان بدرستی آمده است.

دوستان گرامی! شما باید دقیقاً توجه بکنید که گروهی سیاسی با خط مشی معینی نیستید و خود را نباید از جایگاه جمعی بعنوان مصلحین سیاسی یک ملت به حد یک گروه سیاسی محدودی تنزل دهید. شما باید خود را قراتر از گرایشات مختلف سیاسی در بین مبارزین ترکمن قرار داده و با حفظ بیطرفی کامل خود بعنوان هیئت تحریریه این نشریه، نظرات شخصی خود را میتوانید با امضای فردی در نشریه "گنگش" منعکس بکنید. بنابراین با طرح شعارهایی که از وظایف کنفرانس است و یا با درج مقالات جهت دار نشریه را به بیان کننده نظر خاص گروهی معین در نیارید.

۳. حرکت غیر دموکراتیک دیگر شما دوستان گرامی، بنظر من نوشتن نام نشریه با الفبایی است که اخیراً از طرف رئیس جمهور ترکمنستان به نیابت از طرف دولت و ملت ترکمن "بتصویب" رسیده است! دوستان، بخوبی آگاهی دارند که الفبا اشکالیست قراردادی که هرملتی مطابق با اصالت زبان خود که همانا لهجه و یا شیوه بیان هر زبانی نامیده میشود و با توجه به تاریخ تکاملی زبان خود و نحوه شکل گیری فیزیکی حنجره و تارهای صوتی خود در طول هزاران سال، شکل بخود میگیرد. در شرایط فعلی جهان، در انتخاب این اشکال قراردادی به سه مسئله اساسی توجه میشود که عبارتند از: اولاً توجه به نزدیکی هرچه بیشتر ملتها در این دنیای انفرماتیک است که در آن سرعت انتقال اطلاعات علمی و فنی و تغییر و تحولات شتابان در وضعیت اجتماعی ملتها، با کدامیک از اشکال قراردادی موجود یعنی الفبا شتاب بیشتری میگیرد. ثانیاً: کدامیک از اشکال قراردادی موجود جهت دسترسی سهل و آسانتر به منابع علمی که مستلزم فراگیری و آموزش زبانهای زنده دنیا میباشد، کمک بیشتری به نسلهای جوان میکند؟

ثالثاً: در تغییر الفبا مسئله مهم دیگر در این رابطه توجه به بعد اقتصادی و فنی قضیه است. زیرا تغییر الفبا با یک دستورالعمل ساده و از بالا مقدور نیست، بلکه مستلزم هزینه و وقت فراوان

اند. بدین ترتیب که آرامیها که حدوداً ۱۲۰۰ سال ق.م بر دمشق و حلب حکومت میراندند، در مناطق تحت تسلط خود این الفبا را رواج دادند. عبرانیها نیز، کتب مقدس خود را با این خط نوشتند. بعدها نیطی ها که قومی سامی بودند و در قرن ششم قبل از میلاد بر "پترا" حکومت میکردند از آرامیها و عبرانیها آنرا آموخته بعدها به اعراب انتقال داده اند.

این الفبا شامل ۲۲ حروف بی صدا و فاقد حروف صدادار بود. بعدها اعراب تعداد حروف آنرا بنا به نیاز زبان خود به ۲۸ رسانیدند. با تسلط اعراب بر ایران، با توجه روحیه تسلیم پذیری محض ملت فارس در برابر فرهنگ بیگانگان و تقدس هر آنچه که مهاجمان با جنگ و غارت بر ایران تحمیل کرده اند، بدون حذف حروف اضافه شده از طرف اعراب چهار حرف دیگر به آن افزوده و تعداد آنرا به ۳۲ رسانده اند. بدین ترتیب، حروف همصدای فراوانی بوجود آمد و به نارسایی های قبلی این الفبا مجدداً افزوده شد، نزدیک به یکصد سال است که روشنفکران ملت فارس، به نارساییهای این الفبا و به لزوم اصلاح و یا تغییر آن پی برده و این خود عرصه نبردی دیگر با ارتجاعیون و دولتهای حاکم وقت بر ایران شده است. این طیف وسیع از روشنفکران از میرزا ملکم خان و میرزا آقا خان کرمانی که خواستار اصلاح این الفبا "آرامی-عبری" بوده اند آغاز و به نظریات اشخاصی چون سید احمد کسروی که خواستار تغییر آن به خط لاتین بوده اند، تکامل یافته است.

بنابراین این دوستان مقاله نویس ما بزبان ترکمنی با الفبای "آرامی-عبری" باید توجه کنند که عرصه نبرد ما جزئی ترین مسایل را نیز در بر میگیرد و ما نباید با کم اطلاعی خود از سابقه این الفبا، نه در کنار اصلاح طلبان و تغییر دهندگان آن، یعنی روشنفکران ملت فارس، بلکه در کنار بانیان امروزی آن سلسله ولایت فقیه خمینی قرار بگیریم. ما با تعمیم این الفبا به زبان ترکمنی، جهت بتحریر در آوردن نظرات و اهداف خود بزبان ترکمنی و رواج آن در بین مردم، نسل جدید خود را گامها به عقب خواهیم کشاند.

من به این دوستان پیشنهاد میکنم که مقالات خود را تا مادامیکه به یک الفبای مدرن لاتینی دست نیافته ایم، با الفبای سریلیک که با آن بیش از نیمی از ملت ما آشنایی دارند بنویسند. زیرا، این امر از یکسو به اشاعه هرچه وسیعتر نظرات خود این دوستان کمک کرده و مساعی غیر مسقیمی برای آموزش این الفبا برای نسلهای جدید ما، جهت دسترسی آنها به منابع علمی و ادبی بیشتری که با این الفبا تاکنون در جمهوری ترکمنستان نگارش یافته است، کرده باشند. ادامه دارد

توراتلی

صاحب نظران ادبیات و زبان ترکمنی چه در اروپا و چه در جمهوری ترکمنستان کرده و در این رابطه صفحه ای از نشریه خود را در اختیار این مسئله مهم ملی قرار بدهند مفیدتر نخواهد بود؟

در رابطه با مسئله فوق، نوشته شدن بعضی مقالات نشریه "گنگش"، با الفبای "عربی-فارسی" و به زبان ترکمنی است! من نمی دانم که این دوستان برای چه کسانی و با چه نیتی با این الفبا دست به "روزنامه نگاری" زده اند؟ نوشته های این دوستان، اگر برای تمامی ترکمنهای خارج و داخل است، باید عرض کنم که هیچکس از ماها با این الفبا آشنایی نداریم و در هیچ یک از مراحل تحصیلی آموزش زبان ترکمنی حتی با این الفبا نیز در مدارس ایران بشدت قدغن بوده است. من فقط بیاد دارم معدودی از آخوندها و یا پیرمردانی که سواد حوزه ای داشته و زبان فارسی را بلد نبودند، در قدیم با این الفبا و بزبان ترکمنی شجره نامه خانوادگی خود و یا تاریخ تولد نوه هایشان را در داخل جلد قران و یا کتب قدیمی دیگر نوشته و یا دعانویسی میکردند. شاید دوستان بگویند که بزرگترین شعرا و یا نویسندگان ترکمن نیز با این الفبا و بزبان ترکمنی اشعار خود را می نوشتند. این مسئله ایست که امروزه شکل و محتوایی دیگر یافته و جواب به آن در حوصله این مقال نمی گنجد.

از سوی دیگر برای این الفبا هنوز شیوه واحد نوشتاری تدوین نشده است، از این رو هریک برای نوشتن کلمه ای مشابه شیوه های گوناگون بکار می بندند. بنابراین نوشتن مقالات با این الفبا که برای خود نویسندگان آن نیز مشکلات زیادی بوجود میآورد و نوشته یکی برای دیگری نامفهوم و غیرقابل قبول است، چه معنایی میتواند داشته باشد؟ آیا این امر معنایی جز ضدیت نامعقول با زبان فارسی و دوری جستن از هر آنچه که نمودی از این ملت داشته باشد نیست؟ اما، دوستان باید مطمئن باشند که راه استقلال ما نه در ستیز با هر آنچه که متعلق به ملت فارس، بلکه از اتحاد دمکراتیک و برابرا نه با این ملت و کمک متقابل به رهایی یکدیگر از ستم دولتهای توتالیتر و شوونیست حاکم بر کل ملتهای ایران میگذرد و زبان فارسی در این راستا، بعنوان زبان مشترک و ملی برای تمامی ملتهای تحت ستم در ایران، این اشتراک مبارزه را قویتر و در فهم مقصود یکدیگر همه را یاری رساند.

من جهت آگاهی بیشتر این دوستان توضیح مختصری در باره الفبای "عربی-فارسی" را در اینجا ضرور میدانم و امیدوارم که خود آنها با تحقیقات مستقل خود، اطلاعات خویش را در این مورد کاملتر سازند.

با نگاهی مختصر به تاریخ این الفبا روشن میشود که اصل آن متعلق به فنیقی هاست که آرامی ها و عبرانی ها از آنها آموخته

## دنیاله مسئله ملی...

## جمهوریخواهان ملی ایران

نیروها و جریانات سیاسی دیگری هستند که بعضاً همصدا و هماهنگ با رژیم حاکم و یا سلطنت طلبان و گاهی با ایراد و انگیزه های متفاوت به انکار و تحریف مسئله ملی و حق تعیین سرنوشت ملیتها می پردازند و راه حلی بر مسئله ملی که از جدی ترین مسائل انقلاب آتی ایرانست ارائه نداده اند.

منشور اتحاد و همکاری جمهوریخواهان ملی ایران:

حزب دموکراتیک مردم ایران، سازمان جمهوریخواهان ایران و سازمان فدائیان خلق ایران-اکثریت، توسط کانون دفاع از دموکراسی در ایران برگزار شد. اصولاً وجود ملل مختلف در ایران توسط آنان انکار شده است. موضع آنها در مورد دو اصل مهم دموکراسی و تأمین حقوق ملی تبلیغ ملی انتخابات آزاد، رابطه با رژیم اسلامی و بخشی نیز مبلغ "فاق ملی" هستند.

این جریان نیز از قبول اصل اساسی منشور حقوق بشر و موضع صریح سازمان ملل در مورد مقوله حق ملل در تعیین سرنوشت خویش و از جمله حق جدایی را قبول نداشته فقط در اعطای حقوقی در زمینه فرهنگی، تأسیس انجمنهای ایالتی و ولایتی، اختیارات محلی و استانی از خود سخاوت نشان داده، در پی ایجاد حکومتی غیرمتمرکز، آنها بدون توجه به موقعیت ملل ایران هستند، یعنی در واقع پذیرش وضع موجود و صحنه گذاشتن بر تداوم ستم ملی را تبلیغ میکنند.

## مسئله ملی و کمونیستها

برخی عناصر و سازمانهای چپگرا هم علیرغم پذیرفتن ظاهری واقعیت مسئله ملی در ایران راه حلهایی ارائه میدهند که در عمل به نادیده گرفتن این مسئله حیاتی و پذیرفتن وضع اسفناک موجود منتهی میشوند. بنظر آنان در ایران "مسئله ملی" وجود ندارد، "و یا به آنصورتی نیست که ادعا میشود"، "ملت محصول ناسیونالیسم است"، "ملت وجود عینی ندارد" و... در واقع سعی میکنند که وجود ملل گوناگون در ایران را نفی کرده، همانند طرفداران تمامیت ارضی ایران، حق تعیین سرنوشت را صرفاً برای ایرانی یکپارچه و مستقل قبول دارند. بنظر اینان ملت خواندن ترک، ترکمن، بلوچ، کرد و عرب بلافاصله حق تعیین سرنوشت و امکان جدایی این پاره های پیوسته ملت واحد را بدنبال میآورد. ملتی که یکپارچه در راه احقاق حقوق حقه خویش مبارزه میکند و هدفی جز برقراری دموکراسی، کسب آزادی، شکوفایی و بالندگی فرهنگ ملی خویش و مالاً ایجاد جامعه ای بیگانه با هر نوع ظلم و استثمار و استعمار ندارد از سوی اینان با تهمت ناسیونالیسم کور، تنگ نظری ملی، روبرو شده، هر نوع صحبت از مسئله ملی را با چماق "انترناسیونالیسم" و "عمده بودن مبارزه طبقاتی" و امثالهم میکوبند. اینان طرح مسئله ملی را نه تنها انحرافی بلکه "تنزل" خود از یک کمونیست انترناسیونالیست که مدعی انقلاب جهانی است دانسته، ظاهراً ادعا میکنند که "کارگران میهن ندارند" ولی عشق آنان به ایران هر دم افزایش یافته

هر لحظه ندای "ایران، ایران" سر میدهند. آنان حل مسئله ملی را منوط به پیروزی جنبش کارگری بر هبری خویش میدانند.

## نتیجه

نادیده گرفتن واقعیت امر کثیرالمله بودن ایران و ستمی که بر آنان از سوی ملت حاکم (فارس) رفته نه مسئله ملی را منتفی میسازد و نه جنبش علناً جاری نزد این ملتها را متوقف می نماید و نه تشکیل دولت ملی آنانرا حذف میکند. کتمان واقعیت عینی موجود و طفره رفتن از پذیرش راه حل دموکراتیک و عادلانه با هر نیت و بهانه ای که باشد بمعنی تعصب ناسیونالیستی دفاع ملت غالب و ستمگر و تأیید آشکار تداوم ستمگری، استبداد و سرکوب و حتی تشدید آنست. بهترین شیوه مبارزاتی مدافعین جنبش رهایی بخش ملل تحت ستم در این مقطع انتشار نشریه مشترک می باشد.

Öz ene diliñde  
okımak,öz milli  
medeniyetiñi  
tanımak,tanatmak  
we oları gorap  
saklamak her  
melletiñ ayrılmaz,  
doga hakıdır.

Göteborg posten 1997.02.12

Jan Arell

## شورشهای خونین در شمالغرب چین (ترجمه از: گنگش)

می باشد، از جانب حکومت مرکزی بخوان محل آزمایشگاههای هسته ای استفاده میشود (بر طول ۳۳ سال ۴۵ نفعه در این منطقه آزمایشهای اتمی چین صورت گرفته است). در ضمن بر این استان بسیاری از اردوگاههای اجباری کار حکومت مرکزی قرار دارد.

امروزه کمتر "کشوری" مبارزات جدایی طلبانه را تأیید میکند، بویژه خود حکومت چین برای سرکوب شورشها به شیوه های بسیار خشن و جنایت آمیزی متوسل میگردد. قصد حکومت چین سرکوب نهضت‌های ملی گرا و مذهبی در ترکستان شرقی می باشد.

بر طبق اظهارات "سازمان عفو بین الملل" نهضت مسلمانان اویغور همدیاف با نهضت "دالای لاما" و بوداییان تبت قرار دارد. کما اینکه توده های مسلمان اویغور در سالهای اخیر به بدترین شکلی مورد تعقیب و آزار قرار گرفته اند. این مسئله نیز آشکار است که چینی های "هان" نژاد بر این استان خبیث ترین راسیست ها بر علیه اقلیت ملی و مذهبی غیر چینی می باشد.

استقلال طلبان بنظر میرسد که اسلحه و تدارکات خودشانرا از جمهوریهای قیرقیزستان، قزاقستان، پاکستان و افغانستان تهیه می نمایند. بر ظرف ماههای آپریل-سامبر ۹۶ فقط ۱۲۸ نفر از استقلال طلبان بدار آویخته شده اند.

بر طبق گزارشات دریافتی از منابع استقلال طلبان اویغور در قزاقستان، نهضت آنان URNF نامدارد و آنها اخیراً همکاریهای گسترده ای را بانهضت بوداییان تبت شروع کرده اند (این خبر از جانب یکی از مقامات بلند پایه نهضت تبتی ها نیز مستقیماً تأیید گردید).

حکومت محلی در سین کیانگ در تدارک سرکوب نهضت استقلال طلبان حکومت محلی یکی از وظایف اساسی خود را مبارزه متقابل با جدایی خواهان اعلام نموده است. به این خاطر نیز در چهارشنبه گذشته (۵ فوریه-گنگش) پلیس محلی دو نفر طلاب دینی را بازداشت نمود. بر طبق گزارشات موثق این دو نفر که در شهر Yining (نام ترکی آن قولجا می باشد) (این شهر در ۵۰ میلی غرب پایتخت ترکستان اورومچی قرار دارد) دستگیر شدند به ارتکاب جرائم جنایی

بقیه در ص ۹

هزاران نفر از جوانان در شمالغربی چین با تظاهرات خود برای استقلال ایالت خودشان "سین کیانگ"، رژیم چین را از هفته قبل به مبارزه و رویارویی فراخواندند. آنچه که در این ایالت میگذرد در تاریخ ۵۰ ساله سین کیانگ هرگز نظیری نداشته است.

در ماههای اخیر مسلمانان جدایی طلب حملات خود را به قرارگاههای رژیم چین با توسل به بمب در سین-کیانگ انجام داده اند که در جریان این حملات تنی چند از وابستگان رژیم بقتل رسیدند. روز بروز بر وخامت اوضاع منطقه اضافه گشته زندگی برای خارجیان بویژه خبرنگاران و ژورنالیستها در این خطه آشوب زده دشوارتر میگردد.

سین کیانگ استانی است که اقوام مختلف تورک نژاد از دیر باز آنجا را به تصرف خویش در آورده و سلطه خویش را در آنجا حفظ کرده اند و بهمین خاطر این استان "ترکستان شرقی" نامیده میشود. بزرگترین قوم در این سرزمین اویغورها می باشند. بنا به سیاستهای حکومت مرکزی بویژه از ۴۵ سال پیش افراد زیادی چینی تبار برای تغییر معالنه نسبی جمعیت به سین کیانگ کوچانده شده اند.

امروزه بسیاری از اویغورها سرزمین مادری خودشانرا از جانب چینی ها اشغال شده تلقی میکنند. هر چند که در حال حاضر تعداد کسانیکه جهت جدایی سرزمین خود به مبارزه قهرآمیز متوسل میشوند چندان زیاد نمی باشد.

در سالهای اخیر تعداد استقلال طلبان مسلمان بطرز چشمگیری افزایش یافته است. این جریان استقلال طلب از جانب جمهوریهای تازه استقلال یافته بعد از فروپاشی اتحاد شوروی و همچنین از جانب افغانستان و پاکستان حمایت میشوند. اویغورها با تکیه بر این پایگاه گسترده به مبارزات استقلال طلبانه خود ادامه میدهند.

حکومت مرکزی نیز با ممنوع کردن عبادت در مساجد و مکانهای فعالیت و تظاهرات مذهبی اویغورها عملاً به محدودیتها و مجازات مخالفین ادامه میدهند (در حال حاضر ۱۵ هزار مسجد در این منطقه وجود دارد). این تهدید و مجازات به اعتراضات و شورشهای خونین منجر میگردد. میتوان گفت که سین کیانگ همانند یک سنگر بین چین و دیگر سرزمین مسلمان (بویژه تورک نژاد) در آسیای مرکزی نقش سوق الجیشی دارد. خود این استان که دارای صحاری بزرگ



## توضیح

نشریه گنگش از پرنسپهای اعلام شده در اجلاس خود پیروی میکند که اساسی ترین آنها مبارزه در راهی ملت ترکمن از یوغ ارتجاعیون حاکم و پشتیبانی از مبارزات قهرمانانه آنان در راه تأمین حق سرنوشت خویش است می باشد. نظرات رسمی ما در سرمقاله با امضای هیئت تحریریه درج میگردد. مقالات رسیده با امضای شخصی بیانگر نوع بینش انانی است که با ما همکاری میکنند. چاپ آن در نشریه گنگش بمعنای تأیید صد درصد نظرات بیان شده نمی باشد.

توضیح دیگر - همانگونه که مشاهده میکنید ما در فرم نشریه و شعارهای آن تغییراتی دادیم، این امر بنا به پیشنهادات سازنده خوانندگان صورت گرفته و هدف اساسی آن ایجاد فضایی است که تا در آن بیشترین طیف از نیروهای سیاسی به انتشار نظرات خویش بپردازند. ما امکان این تغییر و تحول را در بیانیه اعلام موجودیت خویش بصراحت عنوان کرده بودیم.

## sazlarım

İlimiñ payhası, pähimi bolup,  
Asırların bagrın söken sazlarım.  
Yüreklerden uçup, yürekte gonup,  
Çeşmelerden gaynap çıkan sazlarım.

Lal bolamda dilim bolup söz berip,  
Kör bolamda göreç bolup, göz berip,  
Mektepsiz, galamsız zehinime girip,  
Gollarımda ganat geren sazlarım.

Gursagında yayılmadyk sırım kân,  
Ummanında döwrülmedik döwrüm kân,  
Hasrat ojağında yakanda zaman,  
Derdimi äleme yayran sazlarım.

Añırsında hijran yatır, dert yatır  
İli çaşan, esir düşen yurt yatır,  
Namart golda mertler bolande esir,  
Polat galañ gapısın açan sazlarım.

Sayrañ bu gün sayrañ, yene-yeneler,  
Sayrasañız meniñ ahım kemeler,  
Gazaplı geçsede seneler,  
Ozanlarım elinde uzan sazlarım.

Settar. S  
1368 ş

محکوم و سپس اعدام میشوند. نمازگزاران مسجد نیز در تقابل به جنایات رژیم و در پی انتقام خون شهیدان خود در جهت دستگیری دو پلیس قاتل بر میآیند و آنانرا در ملاء عام به دار می آویزند. بدنبال این وقایع، رژیم نیروهای نظامی خود را به منطقه اعزام میکند. جوانان شجاع اویغور با جنگ و دندان بر علیه آنان بپا می خیزند و هر چینی متجاوز را که بر سر راه می یابند نابود میکنند. در این جنگ نابرابر بسیاری از اویغوران از مرز گذشته به جمهوریهای قزاقستان و قیرقیزستان پناه می برند.

طبق اظهارات اویغورهای مهاجر در قزاقستان، در جریان این سرکوبی خونین بیش از ۳۰۰ نفر از مبارزین اویغور بقتل میرسند، صدها نفر زخمی و هزاران نفر نیز بازداشت شده مورد شکنجه و تحقیر قرار میگیرند (بر طبق اظهارات منابع دیگر ارقام ارائه شده متفاوت است).

پایتخت تورکستان به روی افراد خارجی بسته و این شهر در محاصره نظامیان چینی قرار دارد و همچنین مناطق جنوبی سین کیانگ بویژه شهر تاریخی کاشغر نیز از سال ۱۹۹۰ بدنبال ناآرامیها بروی خارجیان بسته شده است.

حکومت مرکزی چین ریشه این ناآرامیها را بطور مسخره آمیز "تحریکات خارجی و بیگانگان و دشمنان" اعلام میکند. رژیم ادعا میکند که کنترل خود را بر منطقه اعمال و شورشها را سرکوب کرده است. وزیر تبلیغات "چین نو" در جواب علت شورشها و ناآرامیها به آژانس خبری AFP اظهار میدارد "شما بهتر است اخبار و گزارشات را از منابع موثق دریافت کنید، نه از خارجیان".

## حقایقی در باره تورکستان شرقی

## \* استان صحرا و کوه

سین کیانگ (تورکستان شرقی) 1,600,000 کیلومتر مربع مساحت دارد (تقریباً برابر ایران - گنگش)، این استان برابر با یک هفتم کل خاک چین میباشد. بخش بزرگی از آنرا کوهها و صحارای تشکیل میدهد. جمعیت کل آن برابر با 16,5 میلیون نفر میباشد که 38% آنرا چینی ها تشکیل میدهند. اکثریت جمعیت را اقوام مختلف تورکان تشکیل میدهند که بزرگترین آنها اویغورها میباشد (48% بیش از 10 میلیون نفر). بیشتر تورکان به کشاورزی مشغولند. در آمد متوسط سالانه آنان بر طبق بررسی سال 1993 تقریباً 700 کرون سوئد (کمتر از 100 دلار - گنگش) میباشد. این استان بسیار غنی و منابع طبیعی با ارزشی نظیر آبهای معدنی، نفت و گاز دارد که برای حکومت مرکزی بسیار با اهمیت میباشد.

A. Gürgenli :

## Latin grafikali yazuw hatımız hakkında

Milletimize uygun hem amatlı bir elip-biyi sayılap almak barasında birnäçe yılñ dowamında gızgın çekeleşmeler öñe sürlüp, ahır soñunda Türkmenistanda latin hat kabul edildi. Tassık edilen bu yazuw hatıñ kemçilikleri barasında aydara zat kân, yöne soña garamazdan bu aygıtlı ädim dogurdanam gutlamaga minasıp. Yad ülkelerde yaşap yören türkmenler watanımızñ her taraplayın gülläp ösmegini janı-teni bilen arzuw edip, her gutlı işñ yol almagına begeip iki bolup bilmeyärler. Şol işlerñ düyp özeninde halkımızñ bilimli, düşünjeli bolup, medeniyet kerweninden pay alıp-pay bermek yalı inçe sırlar yatır.

Gınansagam 20-nji asır türkmen halkıñ ösüş prosesinde yerini doldrup bolmajak böwetler döretti. Kolonialistlar halkımızı ezip horlamakda ellerinden gelenleri gaygımadılar. Gök-depe basbaljılık yürüşine gataşan rus ofisseri Gorodokov bihayalık bilen: "Türkmenler yer yüzüñiñ gara tegmili(lekkesi)dir, oları gırıp yok etmeli" diyipdir. Bular yalı jellatlar hem Eyran, hem-m Owganıstanda yaşayan türkmenlerñ arasında az däl. Şeyle jenayatkärli planları yeke goşun sürmek bilen däl, eysem, medeniyet adı bilen amala aşırıp geldiler. Şolarıñ birisi hem bizi geçmişimizden hem-de süytdeş we soydaş doganlarımızdan üzñelikde saklamak boldı. Rus basbaljılar türkmen halkıñ beyleki türki doganları bilen barıp 1928-nji yılda Baku gurultayında kabul eden ne güzel latin hatını gadagan etdip zor bilen ors hatını getirdiler-olar öz diyndaşları bolan Ermilerñ ya-da Gürjilerñ, şeyle-de Baltik halklarıñ hatlarını üytgetmediler. Ors elip-biyi bilen rus medeniyeti, rus dili, döp-dessuri we olara bağı edilib goylan teknolojiya getirildi. Yazıjı, şahırlarımızñ, dilçi hem tarihçi alımlarımızñ gözyetimlerini diñe rus medeniyeti çıgrında örkdediler.

İnhä, bu gün erkinlige gowşanımızdan soñam, yene soña meñzeş gara güyçler gazanılan her bir tazeligiñ üstünden atanak çekjek bolyarlar. Garaşsızlık yolunda şeyle bir päsgelçilik döredip gelyärler welin, halkı bu mukaddes sözden

iyrizdiler, kabul edilen latin hatıñ yol almagında şonça böwetler az bolman gelyär. Kabul edilen bu latin hatı bilen ähli türkmenlerñ birek-birege düşünüp biljek grafika bilen yazıp, oları bir saçağıñ daşına yıgnamak siyaseti niyet edilyär, emma, gör bak bu yolda müñlerçe kınçılıklar döredilip gelyär.

Birnäçe adam latin hatıñ yerine ozalkı rus(kril) hatıñ tarapını çalıp, yene bu hatıñ yörgünli bolmagıñ tarapını tutyarlar, men muña düybünden garşı, sebäp:

1. Rus elip-biyinde, arap hatı yalı türkmenlerñ ähli fonotikalarını añaldıp bilmeyän kemter gelyän tararı bar, hem-de krilçede "еген", "ер", "елек" yalı sözleñ başında gelyän "e"(ye) sesi, sözüñ ortasında "э"(e) sesini beryär, diymek bir bellik, iki ses üçin peydalanıyar.
2. Rus hatı basbaljılar tarapından bize galan şum mırasdır, bir intellegentsiyanıñ wekili hökmünde nädip milletimizi psihologiya taydan ezip, horlan bir zadıñ tarapını çalıp bolar.
3. Rus hatı Türkmenistandaki türkmenler bilen goñşı yurtlerde yaşayan türkmenlerñ medeni, sosial we teknolojiya aragatnaşında ulı päsgilçilik döredip gelyär, şeyle-de Awrupada yaşayap, latin hatı bilen sowadlı bolan balalarımız Türkmenistanda ors hatında neşir bolyan materiyaallardan asla peydalanıp bilmän gelyärler. Galıberse ruslar öz hatı bilen bütün türki halkarıñ birleşmeginiñ öñünü almak üçin dalaş edip gelyärler. Şoña görä bu yawuz siyasetlar netijesinde bu güne çenli ähli türk milleti ortak bir yazuw hat yöredip bilmän gelyärler.

Men türkmenler başga elip-biyi öwrenmeli däl diymek islemeyärin, goy, olar öz meyli hem erki bilen ola rus ya-da arap-pars, belki-de hitay, grek we başgalrı hem bilsinler we hökman bu ugurda alımlarımız hem bolmalı, yöne bular diñe erk-ıgtıyar hem il-günüñ bähbidi üçin bolmalı.

Sözümü jemläp ayıtsam. Häzirki yagdayda hem ılmı taydan ösmegiñ, hem-de siyasy bakımından latin hat halkımızı dünyä sferasında öñe alıp gidip biljek ulı baylıkdır, onı hiç kim inkär edip bilmez.

## رویدادهای مهم تاریخی در ماههای فوریه تا

## آوریل

فوریه ۱۸۸۴ در اثر سیاستهای مکارانه افسر روس قساروف و تاجر ارمنی علی خانوف شهر ماری (مرو) به تسلط قوای روسیه تن نهاد. خان ماری خاتم گول جمال خان به اسارت روسها در آمد. فوریه ۱۹۲۰ شهرهای حاشیه خزر، اسغولی و چکیشلر توسط قوای بشویکها اشغال گردید.

۱۵ فوریه ۱۹۲۱ مهدی خان معارن حاکم نظامی گورگن (گنبد قابوس فعلی بمنظور سرکوبی جنبش جمهوریخواهی ترکمنها روستای آق اوئلی را به توپ بست و دهها ترکمن را بشهادت رساند.

۲۴-۱۵ فوریه ۱۹۲۴ در نخستین کنگره شوراهای انقلابی تشکیل جمهوری سوسیالیستی ترکمنستان رسماً اعلام گردید.

۷ فوریه ۱۹۲۶ افتتاح مرکز سینمایی "ترکمن کینو استودیو" در آشغابات ترکمنستان.

۲۶ فوریه ۱۹۳۸ اعدام عالم بنام و فیلولوگ ترکمن آلاغولی غاراجان بدستور استالین بخاطر داشتن گرایش ملی گرایانه اش. محل دفن این عالم نامعلوم می باشد.

۴ فوریه ۱۹۴۸ بدنبال سره قصد ساختگی بجان محمدرضا شاه در دانشگاه تهران و تحت تعقیب قرار گرفتن مبارزین سیاسی گروه کثیری از فعالین ترکمن مجبور به مهاجرت به جمهوری ترکمنستان شدند.

۲۱ فوریه ۱۹۶۰ آقای مامد شرعی از شهر بندرتورکمن به وکالت مجلس ایران انتخاب شد. زمینهای کشاورزی ناحیه آنبار اولوم توسط قوای اعزامی بفرماندهی ژنرال اویسی و سرگرد کمال به تصرف ارتش شاه در آمد.

۹ فوریه ۱۹۶۶ نویسنده بنام ترکمنهای افغانستان عبدالرئوف ترکمنی روزنامه "پیام وجدان" را منتشر نمود.

۹ فوریه ۱۹۷۹ بدنبال تحریکات سارااک و نوکران شاه در گنبدقابوس، درگیری خونینی بین اهالی آذری و ترکمن شهر گنبد قابوس رخ داد.

۱۵ فوریه ۱۹۷۹ (۲۳ بهمن ۵۷) بنیانگذاری و فعالیت علمی سازمان سیاسی ملت ترکمن بنام "کانون فرهنگی-سیاسی خلق ترکمن ایران".  
 \* بنیانگذاری "ستاد مرکزی شوراهای روستایی ترکمنصحرا" به منظور وحدت بخشیدن به شوراهای اتحادیه های روستایی دهقانان ترکمن.

۷ فوریه ۱۹۸۰ رپوده شدن ناجوانمردانه رهبران ملت ترکمن شیرلی توماج، حکیم مختوم، طوایق واحدی و جرجانی توسط عوامل رژیم اسلامی.

۸ فوریه ۱۹۸۰ سرکوب خونین دوم ملت ترکمن توسط ارتش تا به دندان مسلح رژیم اسلامی، کشتار و اعدام وحشیانه مبارزین ترکمن بدستور مستقیم خمینی و مجریانش بنی صدر و خلخالی. به آتش کشیده شدن روستای بدلجه.

۱۸ فوریه ۱۹۸۰ کشف اجساد مثله شدن رهبران ملت ترکمن توماج، مختوم، واحدی و جرجانی در جنگل گلستان. \* روز شهدای ملت ترکمن

فوریه ۱۹۹۰ بنیانگذاری "حزب ملی ترکمنهای عراق" به همت دکتر مظفر آرسلان.

۱۹ فوریه ۱۹۹۲ روز تصویب پرچم و نشان دولتی جمهوری مستقل ترکمنستان توسط پارلمان این کشور.

۱۵ مارس ۱۸۹۴ تولد بنیانگذار ادبیات نوین ترکمن بردی کربابا.

۲۳ مارس ۱۹۰۹ تولد محقق و ادیب برجسته ترکمن احمد گورگنلی (صایادلی) در کزمیش دپه.

۴ مارس ۱۹۱۹ کنگره سران ترکمن به حمایت از جنبش جمهوریخواهی بسرکردگی عثمان آخون در گنبد قابوس.

\* پیروزی جنبش استقلال طلبانه میلی گرایان ترکمن علیه حاکمیت بشویزم در ترکمنستان.

\* قیام ترکمنهای اترک علیه حاکمیت روسها بسرکردگی حاجی بابا مارس ۱۹۲۴ ورود ۵ نفر افسر تورک (تورکیه) به کومیش دپه بمنظور آموزش اصول جنگی به ترکمنها و افتتاح مدرسه نظامی در آنجا.

۸ مارس ۱۹۲۵ برگزاری نخستین کنگره سراسری زنان ترکمن در آشغابات.

۷ مارس ۱۹۳۰ افتتاح رسمی راه آهن شهر بندر ترکمن.

۱۸ مارس ۱۹۵۳ انتخاب عبدالله خان توماج به نمایندگی مجلس شورایی از مناطق ترکمن نشین.

۱ مارس ۱۹۷۹ بیانیه سریازان، درجه داران و افسران ترکمن مبنی بر تشکیل ارتش ملی ترکمن در ترکمنستان جنوبی.

۱۰ مارس ۱۹۷۹ پرواز داده شدن فانتومهای جنگی و شکستن دیوار صوتی بمنظور ارباب ترکمنها توسط جمهوری اسلامی.

\* تظاهرات اهلی بندرتورکمن بمنظور تغییر نام این شهر از بندرشاه به بندرتورکمن. شلیک گلوله بسوی تظاهرات کنندگان توسط رژیم.

۲۶ مارس ۱۹۷۹ یورش ناجوانمردانه پاسداران رژیم به متینگ مسالمت آمیز ترکمنها و شهید شدن عده بیشماری ترکمن. (جنگ اول)

۱۷ مارس ۱۹۹۱ مخالفت گروه سیاسی "آغزی بیرلیک" با انجام رفراندوم مبنی بر ابقای سیستم شوروی در ترکمنستان.

۲ مارس ۱۹۹۲ جمهوری ترکمنستان رسماً بعنوان عضو دائمی سازمان ملل متحد پذیرفته شد.

آوریل ۱۹۱۸ ورود میرزا کوچک خان به کومیش دپه جهت امضا قرارداد دوستی با سرکرده جنبش ترکمنها عثمان آخون.

۴ آوریل ۱۹۷۹ اعلان آتش بس جنگ اول در گنبد قابوس و عقب نشینی نیروهای مسلح رژیم از مناطق ترکمن نشین.

### اوقیجیلارا جوغاب!



عثمان آحون در کنار زن و فرزندانش

اولین رئیس جمهور تورکمنیستان جنوبی (عثمان آحون Osman Ahun)، که پس از اشغال سرزمین ترکمن توسط قوای رضاخان و شکست نهضت جمهوریخواهی در سال ۱۹۲۵ مجبور به مهاجرت به تورکمنیستان شمالی گشته در سالهای ۱۹۳۲ توسط جلاان G.P.U (جد ک. گ. ب) ترور گردید.

آشغابات: قادیرنی ایلدشلرا ایبرنن ماحرلی حاطینگیزی آدیق. سیزینگ تویس یورنکدن سیزدیریپ بسترن ماصلاحاتلارینگیزی جانیمیز بیلن دینگله دیک، نصیب بولسا اولاری اوزومیزه نوسغا ادریس. بیز سیز بیلن کوپراک آراقاتاشیقدا بولاریس.

آلمان: حورماتلی ایلدش مرادا! عمومی بیلدیریش باراسیندا ایبرنن حاطینگیزی آدیق. سیزینگ جایدار بئلان کابیر تانقیدی مسئله لرنیگیزی بیز هم قبول ادیاریس. یئری گئلنده آیتساق، بیز شهیدلرمیزینگ آبدندان اوزومیزه اوتوریتیه قازانماقی ایسله منیاریس، تورکمنلرده "اوتیسینی سیلان بگ بولار دینن" ناقل بار. شیله هم اهلی اروپا تورکمنلره یولباشچی بولماق نیه تیمیز هم یسوق. بیز دینگه اوز دوشونجامیز بیلن حرکت ادیب گلیاریس، البته بو اوغوردا یالنگیشلیقلار هم بولوب بیلر. اونسونگ ۱۷ ییل موندان اوزال بولوب گئچن یاغداپی هم قایتالماقچی دال. بیز تازه اوغورلار آغتریاریس. اساسان بیلدیریشده بریلن تکست ده اسلامی حاکمیت باراسیندا یورنبدیلن بیکیرلر میله -تیمیزه ادیلیان طولوملاری بیان ادمکیر.

سیزه اوز آلیپ باریان دورموش یولونگیزدا اوستونلیکلر قازانماقی آرزو ادیاریس، بیز بیلن کوپراک آراغاتاشیقدا بولوب آتیق تکلیبار بئرمنگیگیزی دیله یاریس.

آلمان. کلن: سایین آذربایجانلی قارداشلارا سیزین محبت ایله گوندنن 'اولوس' درگی لرنینگ همه سی بیزه ایلنشدی. بیزیم بو فارس شوونیستلردن چکمیش اولان دردیمیز عینی دیر، اوغوزحانین الهاملاریندان گوچلننپ، آذربایجان هم تورکمنیستاندا بیر تورکی دولتر حاکم اولار و بو محتلی هم ذلتلی دورمدان تیزراک خلاص اولاریس.

#### خوانندگان گرامی!

با کمکهای مالی و معنوی خویش ما را در تداوم کارمان حمایت نمایید. نشریه خودتانرا به دوستان و آشنایان معرفی نمایید.

Adresimiz:

TÜRKMEN GEŇEŞI  
BOX: 47064  
402 58 GOTHENBURG SWEDEN

خوانندگان عزیز! در صورت امکان مقالات ارسالی تان

تایپ شده و حداکثر ۲ صفحه A4 باشد.

Türkmençe makalaları tayıp edip, ya-da düşünikli hatda yazıp gönderiň.